

حیوانات در آثار سعدی

دکتر احمد ذاکری^۱، فایزه جماران^۲

چکیده

قدمت حضور حیوانات در عرصه ی زمین بیش از انسانهاست. آنگاه که آدمی پا به میدان هستی گذاشت و با قدرت تفکر بر مشکلات حیات در زمین چیره گردید، رابطه ی خود را با حیوانات باز تعریف نمود. در آغاز رابطه ی انسان و حیوان تابع همان قاعده ی جنگل بود، حیوانات توانا تر موجب هراس و ترس آدمی می شدند و او از آن ها می گریخت، حیوانات کم توان تر شکار می شدند و غذای انسان را فراهم می آوردند.

ساخت اولین ابزارها به عنوان تولید اندیشه ی بشری، معادله را در رابطه ی انسان و حیوان دگرگون ساخت و قواعد جبری طبیعت به دست تفکر توانای بشر شکسته شد. با تغییر نظام معیشتی انسان، اشکال بهره جویی از حیوانات متنوع تر گردید. چنان که حیوانات اهلی نه تنها بخش بزرگی از معاش مادی آدمی را تأمین کردند بلکه عضوی مؤثر در انجام کارها بودند و به اندازه ی اعضای خانواده صاحب نقش شدند. با تغییر جنبه های مختلف معیشت بشر و آغاز شهر نشینی، حضور حیوانات در عرصه فرهنگی مشاهده و آثار هنری به حضور آنان آراسته گردید.

این پژوهش به بررسی نقش حیوانات در آثار سعدی می پردازد تا بخشی از حضور این موجودات را در ادبیات ایران زمین ترسیم کرده باشد.

واژگان کلیدی: حیوانات، شتر، اسب، مار، مگس، بلبل

۱ - دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج

۲ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی

مقدمه

حیوانات از نخستین همراهان و هم زیستان بشر هستند که در عین تخصص و تنازع با هم، به یک دیگر نیازمندند. جانوران همواره برای آدمی سبب شگفتی و الگوهای زنده‌ی زندگی بودند و آدمی پیوسته نیم‌نگاهی به آنان و نگاهی به خود داشت و در مقایسه‌ی دایمی خود را برتر از آن‌ها می‌یافت و می‌کوشید تا آن‌ها را در خدمت زندگی هموارتر به کار گیرد و حیوانات بر اساس خصلت‌های ذاتی متفاوت تن به زندگی با آدمی یا گریز از او دادند. اما همواره حضور این موجودات در زندگی بشر محسوس بوده و هست. انسان گاه آن‌ها را شکار می‌کرد، گوشتشان را می‌خورد و پوستشان را لباس می‌کرد، از آن‌ها کار می‌کشید، سواری می‌گرفت. شبانه قصه‌هایی می‌ساخت و برای فرزندان خود تعریف می‌نمود و در قدرت حیوانات مبالغه می‌کرد تا قدرت خود را در غلبه بر او به نمایش بگذارد. در آغاز تصاویر آن‌ها را بر دیوار غارها حک می‌کرد نه برای آفرینش هنری، بلکه تا مقصود خود را به هم‌نوعش بیان دارد. از چوب و سنگ پیکره‌هایی از حیوانات می‌تراشید. بر پارچه‌ها، فرش‌ها و خیمه‌ها تصاویر آن‌ها را رسم می‌کرد. گاه تصاویری که رسم می‌نمود مانند توضیحات قصه‌ها واقعی نبودند، آن تصاویر بیش از آن‌که نشانه‌های عظمت و بزرگی حیوانات باشد، حکایت از تخیل خلاق آفریننده‌ی آن‌ها داشت. بر دیوارهای حمام، تصاویر این موجودات را نگاهشتند. مجسمه‌های آن‌ها را در اماکن عمومی و بر سر در منزل‌ها نصب نمودند. تا آنجا پیش رفتند که نام فرزندان‌شان را از نام آنان عاریه گرفتند: «کانت العرب اصحاب حرب فکانت تهول علی العد و باسماء اولادهم» چون مردم عرب، اهل جنگ بودند با گذاشتن اسم‌های جنگی روی فرزندان‌شان در دشمن ایجاد ترس می‌کردند. (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۱۳۰، از امام رضا (ع)). در میان برخی اقوام سال‌ها را به نام حیوانات می‌نامند (بهروز،

ماهی: «فالتقمه الحوت و هو سلیم» (صافات، ۱۴۲): «ماهی عظیمی او را بلعید در حالی که مستحق سرزنش بود.» (خرمشاهی، ۴۵۱)

نام حیوانات در آیات فوق، به دلایل متفاوتی ذکر شده است که آن‌ها به قرار زیرند: حیوانات، در خدمت اعجاز الهی بودند و ابزار و وسیله‌ی جاری شدن امر الهی. چون ماهی که یونس را خورد و یا حیواناتی که با سلیمان سخن می‌گفتند یا جانورانی که به عنوان عذاب بر بشر نازل شدند، مانند: ابابیل، ملخ و

وجود حیوانات، مایه‌ی تنبیه و تدبر و آگاهی است. مانند: نگرستن به خلقت شتر. در برخی آیات، نام جانورانی در خدمت توصیف شرایطی خاص است. مثل: تشبیه مردم به پروانه، یا برخی به سگ. یا الاغی که کتاب حمل می‌کند.

گاه، به قصد بیان حقارت و کوچکی و سستی بر صفتی از حیوانات تمرکز می‌شود، مانند: سستی خانه عنکبوت و ناچیزی مگس و پشه.

در برخی آیات رفتار حیوانات، الگوی اعمال آدمی است. مانند: کلاغی که زمین را کند و کاو می‌کرد.

در پاره‌ای از آیات به کارکرد واقعی حیوانات می‌پردازد. مثل: اسب‌ها و استرها و الاغ‌ها که علاوه بر باربری، زینت بخش زندگی و سرمایه‌ی زندگی بشر هستند. در مواردی هم احکام حلال و حرام، در استفاده از گوشت حیوانات بیان می‌شود. مانند: آن چه در مورد گوشت خوک یا استفاده‌ی یهودیان از چربی گوسفند و گاو در بعضی از آیات آمده است.

گونه‌های متنوع استفاده از نام حیوانات در قرآن، نشانگر حضور مادی و معنوی این موجودات به صورت پیوسته در زندگی آدمی است. قرآن کارکردهای حیوانات را در تاریخ بشر به نمایش می‌گذارد و همان گونه که بشر برای تمثیل و توصیف از آن‌ها بهره می‌جوید، خداوند جهت ایجاد مشابهت و نزدیکی ذهنی به همان روش

بشری کار می کند تا مقصود خود را بهتر به انسان بنمایاند.

حیوانات در ادبیات فارسی

در تاریخ زندگی بشر، زمانی فرا رسید که انسان به حیوان به عنوان موجودی می نگریست که با او در حیات جسمی و روحی شریک بود و حتی در برخی زمینه ها او را برتر از آدمی می دانست و این تجربه ها به شکل گرفتن اعتقادهای خاصی درباره ی حیوانات انجامید که حاصل آن تجسم اسطوره ها در قالب حیوانات خاص یا ترکیب چند حیوان بود.

اسطوره ها چند شکل دارند: یا انسانی اند یا حیوانی یا تلفیقی. اسطوره های انسانی چون میترا و آناهیتا، اسطوره های حیوانی چون سیمرغ، هما یا عنقا و اسطوره های تلفیقی مانند: انسان یال دار با بدن گاو و شیر که نماد نگهبانی و محافظ معابد و کاخ های حکومتی بود.

در همه ی این اشکال متنوع از اسطوره ها، حیوانات با آدمی و کنار اویند. نقش و قدرت جادویی سیمرغ در شاهنامه از او چهره ای برتر از انسان را به نمایش می گذارد که نماینده ی خدای خدایان است و آن جا که قهرمانان انسانی درمانده می شوند، تنها راهنمای اوست.

حیوانات پیش از فرهنگ مکتوب بشری، در اذهان، تخیل، فرهنگ شفاهی و زندگی واقعی انسان نقش ایفا می کردند. با اختراع خط، ثبت اندیشه ها و تجارب سالیان دراز بشر، جانوران در عرصه ی مکتوبات رخ می نمایند.

یکی از قدیمی ترین داستان هایی که از گذشته برای ما باقی مانده است، حکایت مناظره ی بز و درخت نخل است از درخت آسوریک که پژوهشگران معتقدند به دوره ی اشکانی تعلق دارد.

(غزل ۱۹۴، ط، ۴۹۴)

۵۲- کرکس: نماد و نشانه‌ی لاشه خواری و عدم اهلیت.

بگفت ار پلنگم زبون است و مار دگر پیل و کرکس، شگفتی مدار

(دیباچه‌ی بوستان، ۱۹۸)

۵۳- کرم: در آثار سعدی، انیس انسان در گورند.

پس از بردن و گرد کردن چو مور بخور پیش از آن کت خورد کرم گور

(بوستان، ۲، ۲۶۱)

و

طمع کرده بودم که کرمان خورم که ناگه بخوردند کرمان سرم

(بوستان، ۱، ۲۲۰)

۵۴- کژدم: عقرب. حرکت، راست و چپ دویدن کژدم، نیش زدن و شرانگیختن

این جانور مد نظر سعدی است.

شرانگیز هم بر سر شر شود چو کژدم که با خانه کمتر شود

(بوستان، ۱، ۲۲۱)

سعدی، اعتقادی غلط ولی رایج را نقل می نماید که: «کژدم ولادت طبیعی ندارد.

بلکه نوزادان کژدم، امعاء و احشاء مادر را می خورند و شکمش را می درند و راه

صحرا می گیرند.»

(گلستان، ۷، ۱۴۷)

۵۵- گاو: به نام بقر هم در آثار سعدی آمده است. او به زور آوری اشتها دارد.

سعدی استفاده از گاو را در کارهای کشاورزی یادآوری می نماید.

«هر که علم خواند و عمل نکرد، بدان ماند که گاو راند و تخم نیفشاند.» (گلستان، ۸، ۱۶۶)

۵۶- گاو عنبر: ماهی پستاندار عظیم الجثه که عنبر فضله‌ی اوست. وال. (دهخدا)

قوت سر پنجه‌ی شیری گذشت راضیم اکنون به پیری چو یوز
(گلستان، ۶، ۱۳۹)

نتیجه گیری

تنوع حیوانات در آثار سعدی فراوان است. سعدی این موجودات واقعی و اسطوره ای را در خدمت مفاهیم تعلیمی خود می گیرد و برای تسهیل بیان اهداف آنان را به کمک فرا می خواند و نسبت به قالب شعریش از برخی از آن ها بیشتر بهره می جوید. این شیوه‌ی بیان قبل از سعدی و بعد از او هم رایج بود. اگر چه شیخ اجل در حکایت هایش هیچ کس را جایگزین آدمی نمی سازد. او بیشتر حکایت های بوستان و گلستان را با نقش آفرینی انسان ها آغاز می کند، حیوانات را غالباً در خدمت مفاهیم بلند قرار می دهد و حیوانات با همان سرعتی که حاضر می شوند، غایب می گردند و در آثار سعدی، اوصاف برجسته‌ی آن ها باقی می ماند، همان اوصافی که به آن شناخته می شوند.

هیچ سراینده ای را نمی شناسم که به اندازه‌ی سعدی از جانوران گوناگون نام برده باشد، حتی عطار در منطق الطیر.

